

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی در نظام رومی-ژرمنی و حقوق ایران

ناهید صفری*

محمد مولودی**

بیژن حاجی عزیزی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۷

DOI: 10.22096/law.2020.44788

چکیده

دعای جمعی دعوایی است که از طرف یک شخص به نمایندگی از یک گروه نامعین از اشخاص متضرر اقامه می‌شود. این دعوی که در نظام‌های کامن‌لایی و به‌ویژه حقوق آمریکا شکل گرفته‌اند، امکان رسیدگی به دعوی تعدادی از اشخاص را که ادعاهای مشابهی با زیان‌دیده دارند، در یک دعوا امکان‌پذیر می‌سازد. به‌دلیل مزایای قابل توجه این دعوی، ضرورت پذیرش آن در نظام حقوق رومی-ژرمنی و همچنین حقوق ایران مطرح است. با این وجود برخی اصول و مفاهیم در کشورهای تابع حقوق رومی-ژرمنی و حقوق ایران و برخی تفاوت‌های ساختاری حقوق آمریکا موانعی را در پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی در سایر نظام‌های حقوقی ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: دعوی جمعی؛ حقوق مصرف‌کننده؛ هیئت منصفه؛ حق فردی؛ نظام کشف دلیل.

* استادیار گروه حقوق، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، ایران. (نویسنده مسئول) Email: nsafari@maragheh.ac.ir

** استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. Email: mohammad.molodi@yahoo.com

*** دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. Email: haji598@basu.ac.ir



مقدمه

دعاوی جمعی یکی از مفاهیم شناخته شده در آیین دادرسی مدنی آمریکا تلقی می‌شود که زمینه تجمیع دعاوی با جهات حکمی و موضوعی یکسان یا مشابه را ایجاد کرده است. علی‌رغم مخالفت‌های صورت گرفته با این دعاوی در نظام حقوق رومی-ژرمنی، به دلیل مزایای قابل توجه این دعاوی از جمله کم‌هزینه‌تر شدن دعاوی و ایجاد انگیزه لازم در دعاوی با خسارت اندک، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و اجتناب از ناهماهنگی در آرای دادگاه‌ها در موضوعات مشابه، ضرورت وجود آن در نظام‌های حقوقی مختلف مطرح شده است. با وجود این، اهمیت برخی اصول و مفاهیم در نظام‌های حقوق رومی-ژرمنی همانند حق فردی و نفع شخصی، مخالفت‌هایی را در پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی ایجاد کرده؛ و لذا این نظام‌های حقوقی در تلاش برای ایجاد دعاوی متناسب با نظام حقوقی خود برآمده‌اند. پذیرش دعاوی گروهی (Group Action)، دعاوی نمایندگی (Representative Action) و دعاوی نمونه (Model case) در برخی کشورهای اروپایی از جمله این تلاش‌هاست؛ از طرف دیگر وجود برخی نهادها و مفاهیم در حقوق آمریکا از جمله هیئت منصفه و نظام خاص کشف دلیل (Discovery Process) و حق الوکاله مشروط (Contingency Fee) نیز در موفقیت دعاوی جمعی در این نظام حقوقی بی‌تأثیر نبوده است؛ درحالی‌که فقدان این نهادها در کشورهای تابع نظام حقوقی رومی-ژرمنی و همچنین حقوق ایران یا متفاوت بودن سازوکار آن‌ها، از موانع رشد دعاوی جمعی محسوب می‌شود و لذا در صورتی که این نظام‌های حقوقی در صدد پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی باشند، می‌توانند با پذیرش برخی از این مفاهیم و نهادها در جهت رفع موانع اقدام کنند.

با توجه به اینکه شناخت ضرورت‌ها و موانع پذیرش این دعاوی برای نظام حقوقی ایران که در این زمینه مقررات جامعی ندارد، می‌تواند راهگشا باشد، در این مقاله پس از معرفی اجمالی دعاوی جمعی و توجه به ضرورت‌های پذیرش این دعاوی، با بررسی برخی مفاهیم و اصول نظام حقوق رومی-ژرمنی و نهادهای موجود در حقوق آمریکا این موانع مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- معرفی دعاوی جمعی

در حقوق آمریکا یکی از راهکارهای قانونی برای تجمیع دعاوی با جهات حکمی و موضوعی یکسان یا مشابه، دعاوی جمعی است که در ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی فدرال پیش‌بینی شده است. در دعاوی جمعی، یک یا چند شخص با عنوان خواهان یا خواهان‌های اصلی، به اصالت از جانب خود و به نیابت از سایر اشخاص گروه، اقدام به اقامه دعوا می‌نمایند. ادعاهای تمام اشخاص دارای جهات حکمی و موضوعی مشابهی با ادعای خواهان اصلی است. زیرا این اشخاص به جهت اعمال غیرقانونی واحد یا مشابهی که خوانده مرتکب شده، مدعی حقی می‌باشند که مورد درخواست خواهان‌های اصلی نیز هست. (Mulheron, 2004: 3)

در این دعاوی تمام اشخاص دیگری که متحمل ضرر شده و منطبق با تعریف گروه هستند، به‌طور خودکار در دعوا قرار می‌گیرند، مگر صریحاً از دعوا خارج شوند (نظام خروج محور). تصمیم صادره تمام اعضای گروه را ملزم خواهد کرد، اعم از اینکه در فرایند دادرسی حضور و مشارکت فعال داشته یا خیر؛ و رأی صادره نسبت به دعاوی آینده اعتبار امر قضاوت شده خواهد داشت. بنابراین این دعاوی استثنایی بر اصل نسبی بودن اثر رأی هستند. البته در حکم دادگاه تنها تکلیف موضوعات مشترك میان اعضای گروه روشن خواهد شد و در مورد مسائل فردی پس از دعاوی جمعی و در رسیدگی‌های جداگانه تصمیم‌گیری می‌شود.

بند الف ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، چهار شرط اصلی برای دعاوی جمعی مقرر کرده است. این چهار شرط با عناوین تعدد، اشتراک، نوعی بودن و شایستگی نماینده^۱ شناخته می‌شوند.

منظور از تعدد این است که، تعداد اعضای گروه به حدی باشد که طرح دعوا به‌طور جداگانه غیرعملی باشد. در قانون اشاره‌ای به تعداد افراد نشده، ولی اکثر دادگاه‌ها اجازه تشکیل گروه را حداقل با ۴۰ عضو می‌دهند. (Anderson & Trask, 2010: 22)

1. Numerosity-Commonality-Typicality-Adequacy.

منظور از اشتراک این است که، دعوا متضمن جهات حکمی و موضوعی مشترکی برای گروه باشد؛ البته مشترک بودن موضوع به این معنا نیست که تمام جهات حکمی و موضوعی در دعوا برای گروه مشترک باشد؛ حتا امکان دارد که یک موضوع مهم مشترک برای گروه، کافی باشد. مطابق با بند الف ۲ ماده ۲۳ در صورتی که تصمیم‌گیری در خصوص مسئله، نیازمند بررسی اوضاع و احوالی شخصی هریک از اعضای گروه باشد، مسئله مشترک نیست.

منظور از نوعی بودن این است که ادعاها و دفاعیات اشخاص نماینده نمونه بارز ادعاها و دفاعیات گروه باشد. این شرط تضمین می‌کند که خواهان برای اقامه دعوی جمعی بیش از دعوی فردی مهیاست و با اثبات دعوی فردی خود قادر به اثبات دعوی افراد دیگر است. البته نوعی بودن مستلزم این نیست که ادعاهای خواهان کاملاً مشابه ادعای تمام اعضای گروه باشد، بلکه کافی است که دعوی خواهان اصلی و اعضای گروه ناشی از رفتار مشابه باشند. شایستگی نماینده هم به این معناست که خواهان نماینده اثبات نماید که قادر است به نحو عادلانه و شایسته‌ای از منافع گروه دفاع کند. (Anderson & Trask, 2010: 25-30)

۲- ضرورت‌های پذیرش دعوی جمعی

علی‌رغم انتقادات وارد شده بر دعوی جمعی، به لحاظ برخی مزایای غیر قابل انکار این دعوی، ضرورت پذیرش این دعوی در بسیاری از نظام‌های حقوقی مطرح شده است:

۲-۱- دستیابی به عدالت

مهم‌ترین مزیت دعوی جمعی را باید اثر این دعوی در وصول به عدالت دانست. دسترسی به عدالت از چندین جنبه مورد توجه بسیاری از حقوق‌دانان قرار گرفته است. از این میان، مهم‌ترین جنبه حمایت از دعوی خرد و کوچک است. در صورت اقامه صحیح دعوا، این دعوی می‌تواند راهکاری برای حمایت از گروه‌های ضعیف در برابر شرکت‌های قدرتمند باشند. اقامه دعوی کوچک با ارزش ناچیز مقرون به صرفه نیست و قربانیان رفتار غیرقانونی، اغلب از اقامه این دعوی امتناع می‌کنند. اما با تجمیع این دعوی در قالب دعوی جمعی و طرح آن به صورت یک دعوی بزرگ با ارزش بالا، اقامه دعوا موجه خواهد بود. (Teitelbaum, 2012: 4)

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۰۵

اهمیت طرح این دعاوی در زمینه حقوق مصرف‌کنندگان چندین برابر است؛ زیرا شرایط جامعه مدرن به‌نحو قابل‌ملاحظه‌ای اشخاص را در معرض صدمات گروهی قرار می‌دهد و مصرف‌کنندگان در مقابل تولیدکنندگان همواره در موقعیت ضعیفی قرار دارند. در این شرایط، توسل به آیین‌های دادرسی عمومی که پرهزینه و نامناسب هستند، به عدم استیفای حقوق مصرف‌کنندگان و گریز آن‌ها از مطالبه حقوق خود بیشتر دامن می‌زند. این وضع در نهایت موجب خواهد شد تا در عمل، قوانین ماهوی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به اجرا درنیامده و به‌تدریج متروک شوند. (محسنی، غفاری و شوشی‌نسب، ۱۳۹۱: ۱۵۸)

نظام حقوقی ایران نیز نمونه بارز چنین ادعایی است. قواعد ماهوی حمایت از مصرف‌کنندگان علی‌رغم برخی نقایص، سال‌هاست که در نظام حقوقی ایران وجود دارند؛ اما فقدان ابزارهای شکلی کارآمد سبب شده که این قوانین قادر به تأمین حقوق مصرف‌کنندگان نباشند. پذیرش دعاوی جمعی می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد شکلی، در احقاق حقوق آن‌ها مؤثر باشد؛

همچنین دعاوی جمعی از طریق توزیع عادلانه خسارت نیز اثر مهمی در دستیابی به عدالت دارند؛ زیرا در صورتی که خواننده با دعاوی متعددی روبه‌رو باشد، این احتمال وجود دارد که دارایی او برای جبران خسارت تمام افراد گروه کافی نباشد و افرادی که زودتر اقامه دعوا نموده‌اند، در مورد ادعای مشابه با دیگران، مبلغ بالاتری دریافت نمایند و در نتیجه از سرمایه خواننده چیزی برای جبران خسارت سایر متضرران باقی نماند؛ درحالی‌که با اقامه دعوا به‌صورت جمعی این خطر برطرف خواهد شد و امکان پرداخت خسارت به تمام اعضای گروه وجود خواهد داشت.

۲-۲- کارآمد بودن

تجمیع دعاوی باعث کارآمدتر شدن آن می‌شود؛ زیرا رسیدگی هم‌زمان به هزاران دعوی مشابه باعث می‌شود که در وقت و هزینه‌های طرفین و مراجع قضایی صرفه‌جویی شود.

از منظر مراجع قضایی، تجمیع دعاوی مشابه در یک دعوا سبب اجتناب از برخی امور از جمله دعوت مکرر شهود و تجدید جلسات دادرسی و امثال آن‌ها می‌شود. افتتاح پرونده‌های

جداگانه برای دعاوی مشابه در دفتر ثبت محاکم اتلاف منابع مرجع قضایی است و با طرح دعوا به صورت جمعی به نوعی دادگاه‌ها نیز در منابع مالی و انسانی خود صرفه‌جویی خواهند کرد؛ (Anderson & Trask, 2010: 13; Andrews, 2001: 263) همچنین این امر موجب خواهد شد تا دادگاه‌ها به جای رسیدگی به دعاوی کم‌اهمیت بی‌شمار، به یک دعوی مهم رسیدگی کنند. لذا انگیزه و حساسیت آن‌ها را بر خواهد انگیزت تا عادلانه و با دقت بیشتری تصمیم‌گیری نمایند. از طرفی یکپارچه کردن دعاوی از نظر قضایی، این اثر مهم را نیز به همراه دارد که از صدور آرای متناقض در موضوعات و ادعاهای کاملاً مشابه جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، دعاوی موصوف افزایش کارایی دستگاه قضایی را در پی خواهند داشت. (غفاری، ۱۳۸۹: ۶۹؛ کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۲۸)

از منظر طرفین دعوا نیز در صورتی که هریک از خواهان‌ها به‌طور جداگانه طرح دعوا نمایند، هریک مکلف به پرداخت هزینه‌های خود خواهند شد. خوانندگان نیز مجبور خواهند شد که برای دفاع در برابر هر دعوا متحمل هزینه‌های بیشتری شوند؛ ضمن آنکه اقامه دعوا به‌طور جمعی، امکان استفاده زیان‌دیدگان از ادله و اطلاعات یکدیگر را فراهم خواهد کرد.

۲-۳- بازدارندگی

یکی دیگر از آثار بسیار مهم دعاوی جمعی، بازدارندگی این دعاوی است. این اثر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین آثاری است که توجیه‌کننده پذیرش دعاوی جمعی در نظام‌های اروپایی است.

این دعاوی قابلیت زیادی برای بازدارندگی مؤسسات و شرکت‌ها از اقدامات غیرقانونی و تغییر توازن قدرت بین شهروندان و دولت‌ها، کارگران و کارفرمایان، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان دارند. در واقع در دعاوی جمعی با توجه به تعداد زیاد خواهان‌ها در مقایسه با دعاوی فردی احتمال اینکه خواننده مسئول رفتار نامناسب خود قرار گیرد، بالا می‌رود و از این جهت خوانندگان توجه بیشتری نسبت به این دعاوی دارند و قبل از شروع عمل مورد نظر تأمل بیشتری در مورد آن خواهند داشت. (Hensler, 2009: 9; Teitelbaum, 2012: 4) در مواردی که میزان خسارت وارد شده بر هریک از مصرف‌کنندگان ناچیز است، پذیرش دعاوی جمعی نقض حقوق مصرف‌کنندگان را از نظر اقتصادی غیرموجه می‌کند و موجب

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۰۷

می‌شود تا متخلفان بالقوه نسبت به رعایت حقوق مصرف‌کنندگان حساسیت بیشتری به خرج دهند. در نتیجه طرح دعاوی جمعی نه تنها موجب جبران خسارت مصرف‌کنندگان زیان‌دیده خواهد شد، بلکه اثر اصلاحی بر رفتار خواننده دعوا و سایر عرضه‌کنندگان خواهد داشت و در نتیجه تمام مصرف‌کنندگان از آن بهره‌مند می‌شوند؛ همچنین چون در دعاوی جمعی، خواسته، حاصل جمع کل خواسته‌های کوچک و بزرگ مصرف‌کنندگان متضرر است، از لحاظ تعداد افراد ذی‌نفع و از نظر جمع کل خواسته دعوا، گاه این‌گونه دعاوی آن‌قدر اهمیت می‌یابند که مورد توجه رسانه‌های جمعی قرار می‌گیرند. از این‌رو طرح این دعاوی جمعی علیه یک عرضه‌کننده در شرایط رقابتی بازارها می‌تواند اثر بسیار مهلکی بر اعتبار و شهرت آن عرضه‌کننده وارد آورده و حتا او را به ورطه ورشکستگی بکشاند؛ لذا امکان طرح دعاوی جمعی این اثر روانی و بازدارندگی را دارد که عرضه‌کنندگان برای حفظ اعتبار و شهرت خود و از بیم طرح این دعاوی، هرگز حتا تصور نقض عمده حقوق مصرف‌کنندگان را در سر نپروراندند. (غفاری، ۱۳۸۹: ۷۰)

۲-۴- قطعیت و نهایی شدن

یکی دیگر از مزایای دعاوی جمعی نهایی شدن و قطعیت دعوا است. عدم قطعیت نتایج نامطلوبی هم برای خواهان و هم برای خواننده دارد و دعاوی جمعی می‌توانند یکی از راهکارهای از بین بردن این نتایج نامطلوب باشند.

از منظر خواهان‌ها در صورتی که دعاوی مشابه به‌طور جداگانه اقامه شود، احتمال صدور آرای معارض وجود خواهد داشت؛ در حالی که با تجمیع دعاوی مشکل رفع خواهد شد. از منظر خوانندگان نیز به‌لحاظ اینکه معمولاً خوانندگان تمایل دارند که در یک دعوا تکلیف مسئولیت آن‌ها روشن شود، این دعاوی مزایایی برای آن‌ها خواهد داشت؛ در واقع با توجه به اینکه رأی دادگاه در دعاوی جمعی اعتبار امر قضاوت شده خواهد داشت، خواننده با قطعیت بیشتری نسبت به آینده تصمیم‌گیری می‌کند و با دعاوی غیرقابل پیش‌بینی در دادگاه‌های مختلف روبه‌رو نمی‌شوند؛ (Mulheron, 2004: 57; Andrews, 2001: 263) همچنین با نهایی شدن دعاوی هزینه‌های طرفین در دعوا و هزینه‌های جامعه نیز خاتمه خواهد یافت و

دادگاه‌ها می‌توانند توجه خود را معطوف به پرونده‌های دیگر کنند و نتایج متعارضی هم وجود نخواهد داشت. (Rubenstein, 2007: 830-831)

۳- موانع موجود در نظام حقوقی رومی-ژرمنی و حقوق ایران

اگرچه دعاوی جمعی در کشورهای کامن‌لائی شکل گرفته‌اند، اما ضرورت پذیرش این دعاوی در سایر نظام‌های حقوقی نیز مطرح شده است. علی‌رغم وجود دعاوی مشابه دعاوی جمعی آمریکایی در سایر نظام‌های حقوقی، برخی اصول و مبانی کشورهای تابع حقوق رومی-ژرمنی و برخی تفاوت‌های ساختاری سبب مخالفت با پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی در سایر نظام‌های حقوقی شده است:

۳-۱- عدم انطباق با اصول سنتی حقوق رومی-ژرمنی

در نظام حقوق رومی-ژرمنی و همچنین حقوق ایران برخی مفاهیم و اصول حقوقی انتزاعی وجود دارند که پذیرش دعاوی جمعی را با مشکلاتی مواجه می‌کند. علی‌رغم تعدیل‌هایی که در این مفاهیم صورت گرفته، این مفاهیم همچنان رکن اصلی این نظام حقوقی هستند. از جمله مهم‌ترین مفاهیم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- حق فردی و نفع شخصی

یکی از مفاهیم اساسی در کشورهای تابع نظام حقوق رومی-ژرمنی مفهوم حق فردی و شخصی است. در این نظام منظور از حق، حق فردی است و حقوق گروهی همانند منافع قانونی محیط زیست متعلق به کسی نیست و کسی نمی‌تواند آن را در دادگاه مطالبه کند. در واقع مطابق اصول فردگرایی در این نظام‌های حقوقی هرکس باید به‌طور شخصی حق خود را مطالبه و جز در مورد استثنایی مانند دعاوی محجورین و اقامه دعا توسط وکلای دادگستری، هیچ‌کس نمی‌تواند به نام دیگری اقامه دعا نماید.

این مفهوم از حق در فقه و حقوق ایران هم دیده می‌شود و تعاریف مطرح شده از حق ناظر به حق شخصی است. در فقه مفهوم حق در کنار حکم مطرح و فقها عموماً حق را سلطه‌ای که برای شخص بر شخص دیگر یا مال یا شی جعل و اعتبار می‌شود، تعریف می‌کنند.

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۰۹

(اصفهانی، ۱۴۱۸ق: ۱۷-۱۸؛ نایینی، ۱۳۷۳: ۴۲) برخی فقها در مقام بیان تفاوت حق و حکم و برای بیان رابطه شخص و حق آن را به ریسمانی تشبیه می‌کنند که میان حق و شخص کشیده شده و آن دو را به هم متصل می‌کند. ریسمان در دست شخص است و همین که رها شود آن تعلق و ارتباط نیز از بین می‌رود. (مامقانی، ۱۳۵۰: ۳)^۱

این مفهوم در تعریف نفع قانونی (مشروع) (legitimate Interest)، هم قابل ملاحظه است. ذی‌نفع بودن از شرایط اقامه دعوا در نظام رومی-ژرمنی محسوب می‌شود و از شرایط نفع هم مشروع و قانونی بودن و شخصی بودن آن است. منظور از قانونی بودن نفع این است که قانون باید از نفع حمایت کند؛ درحالی‌که در این نظام‌های حقوقی، قانون نفعی را برای گروه‌ها شناسایی نکرده است؛ از طرفی شخصی بودن نفع به این معناست که هر شخص تنها می‌تواند بابت حقوق از دست رفته خویش طرح دعوا کند، لذا هیچ‌کس نمی‌تواند برای دفاع از منافع عمومی یا مطالبه حق دیگری اقامه دعوا کند، مگر اینکه قانون با صراحت چنین اختیاری را به او داده باشد. (Lemaire & Dupeyr, 2007: 3; Gidi, 2003: 345) این مفهوم از نفع در حقوق ایران هم مطرح و در تعریف نفع و شرایط آن، مفهوم شخصی بودن نفع مورد توجه نویسندگان حقوقی قرار گرفته است. (شمس، ۱۳۸۴: ۱ / ۲۹۵؛ کریمی، ۱۳۸۹: ۷۵)^۲

ب- خسارت

خواسته دعوا در دعاوی جمعی آمریکایی می‌تواند مطالبه مبلغی پول به‌عنوان جبران خسارت یا الزام خواننده به انجام یا خودداری از انجام عملی معین باشد. اما در دعاوی دسته جمعی پذیرفته شده در نظام حقوق رومی-ژرمنی، عمدتاً جبران‌های اعلامی و منعی^۳ مورد قبول واقع شده و معمولاً جبران خسارت به‌صورت پرداخت وجه پذیرفته نشده است. دستورالعمل اروپایی در خصوص جبران‌های منعی (European Directive to Injunctive Relief) که به‌منظور هماهنگ‌سازی مقررات اتحادیه اروپا در این خصوص تدوین شد، مؤید دیدگاه حاکم

۱. نک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۴، محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۷، کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳ / ۴۲۲.

۲. نک: مولودی، ۱۳۹۵: ۲۸۱-۲۹۱.

۳. منظور از جبران منعی دستور یا قراری مبنی بر الزام خواننده به توقف یا منع هرگونه خطا یا تخلف است.

در خصوص خسارت در کشورهای اروپایی است و حتا در عنوان دستورالعمل هم تأکید بر جبران‌های منعی است. این مسئله یکی از عوامل عدم رشد و پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی در این نظام‌هاست.

از نظر برخی نویسندگان حقوقی این محدودیت ریشه در مفهوم غرامات در حقوق رومی-ژرمنی دارد؛ زیرا غرامت در این نظام اصولاً در صدد جبران خسارات زیان‌دیده فردی است، درحالی‌که چون دعاوی اقامه شده در حوزه دعاوی جمعی عمدتاً از طرف سازمان‌ها اقامه می‌شوند، مسئله منافع عمومی مطرح است و منافع عمومی نیز اصولاً متمرکز بر متجاوز و متخلف و یافتن ضمانت اجراهای مؤثر هستند و مسئله جبران خسارت زیان‌دیده فردی مطرح نیست؛ در نتیجه دعاوی سازمان‌ها برای خسارت با مفهوم سنّتی مسئولیت مدنی منطبق نیست. در این نظام‌ها اگر هم خسارت به‌عنوان طرق جبرانی به‌کار رود، خسارت نمادین است؛ ضمن اینکه خسارات تشبیهی هم در اکثر این نظام‌ها پذیرفته نشده است. (Harbour & et al, 2006:1; Koch, 2001: 360)

یکی دیگر از دلایل عدم پذیرش جبران خسارت در اروپا، مشکلات مربوط به توزیع خسارت بین خواهان‌ها به‌لحاظ تعدد آن‌هاست. اما باید پذیرفت این مشکل نمی‌تواند مانعی در پذیرش دعاوی جمعی باشد؛ زیرا در ورشکستگی که در تمام نظام‌های حقوقی نهاد پذیرفته شده‌ای است، با خواهان‌های متعدد روبه‌رو هستیم، ولی مدیریت در جهت توزیع خسارت صورت گرفته است. در هر حال اگرچه اخیراً در رویه قضایی کشورهای اروپایی نشانه‌های از این تغییر دیدگاه دیده می‌شود، اما به نظر می‌رسد تا زمانی که دیدگاه حاکم در خصوص خسارت تغییر نکند، دعاوی جمعی آمریکایی قابلیت پذیرش در این نظام‌ها را نخواهند داشت. (Koch, 2001: 363-364)

ج- مفهوم نمایندگی

مطالعه دقیق دعاوی جمعی در حقوق آمریکا در مقایسه با سایر روش‌های تجمیع، مؤید آن است که صرف اجتماع افراد موجب جمعی بودن دعوا نبوده و مفهوم نمایندگی در فهم ماهیت این دعاوی نقش مهمی دارد. در واقع با توجه به الزام‌آور بودن رأی صادره در دعاوی جمعی

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۱۱

نسبت به تمام اعضای گروه، نمایندگی توجیهی برای الزام‌آور بودن رأی صادره نسبت به کسانی است که در دعوا مشارکت نداشته‌اند. این نوع نمایندگی در آمریکا، نوعی نمایندگی فرضی و قانونی است که چندان با نمایندگی‌های مرسوم در نظام حقوق رومی-ژرمنی هم‌خوانی ندارد.

در کشورهای عضو نظام رومی-ژرمنی براساس اصول پذیرفته شده نمایندگی، صرفاً در صورتی می‌توان دعوایی را از طرف دیگری اقامه کرد که شخص با اذن شخص دیگر یا به حکم قانون از طرف او عمل نماید؛ به‌عنوان مثال در حقوق فرانسه یکی از دلایل عدم پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی، مسئله نمایندگی خودانتخابی^۱ نماینده گروه عنوان شده است؛ زیرا در این نظام حقوقی هیچ‌کس نمی‌تواند بدون اذن صریح یا ضمنی دیگری از طرف او اقامه دعوا کند. (Bouvignies, 2011: 22)

البته برای انطباق دعاوی جمعی با مفاهیم شناخته شده و توجیه نمایندگی در بیان ارتباط بین خواهان نماینده و اعضای گروه گاه به یک نوع رضایت فرضی (Hypothetical Consent) استناد می‌شود. گفته می‌شود که اگر اعضای گروه اطلاعات کافی از دعوا و نتیجه آن داشته باشند، حتماً به اقامه این دعوا راضی بودند؛ (Bronsteen & et al, 2003: 1420) با این وجود واضح است که رضایت فرضی برای ملزم کردن اعضای غایب گروه با مبانی نمایندگی در این نظام‌ها سازگار نیست.

این مفهوم از نمایندگی در نظام حقوقی ایران نیز مطرح است. در حقوق ایران با توجه به پذیرش اصل عدم ولایت، نماینده شخصی است که با اذن شخص دیگر یا به حکم قانون می‌تواند به نام این شخص و به حساب او عمل نماید. بر این اساس نیز نمایندگی به اقسام ارادی، قانونی و قضایی تقسیم‌بندی شده است؛ (شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۳۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳ / ۵۴-۵۵) همچنین مقررات آیین دادرسی مدنی در خصوص سمت مبنی بر اینکه نماینده نه‌تنها باید واجد سمت نمایندگی از خواهان باشد، بلکه سمت او از سمت‌های پذیرفته شده در قانون باشد، نیز همسو با این مفهوم نمایندگی است. در واقع اگرچه اقامه دعوا به نمایندگی از سایر اشخاص

۱. لازم به توضیح است که در دعاوی جمعی آمریکایی نماینده گروه از طرف اعضای گروه انتخاب نمی‌شود و نماینده گروه کسی است که در اقامه دعوی جمعی پیش‌قدم شده است.

در حقوق ایران مفهوم پذیرفته شده‌ای است، اما به‌تنهایی قادر به توجیه پذیرش دعاوی جمعی نیست؛ زیرا اولاً، نمایندگی قانونی تنها در مواردی مورد پذیرش است که قانون لازم بداند، مانند نمایندگی اشخاص حقوقی و نمایندگی محجوران؛ ثانیاً، در نمایندگی قراردادی نیز اعطای نمایندگی از طرف خود افراد و با اراده آن‌ها انجام می‌شود، درحالی‌که در دعاوی جمعی آمریکایی، نماینده گروه به نوعی خود انتسابی بوده و این مسئله بر خلاف اصل فردی بودن دادخواهی است. اگرچه قانونگذار در مواردی به‌منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض، اجازه تجمیع دعاوی را داده، اما این امکان صرفاً در مواد مصرح قانونی وجود دارد و حتا در این موارد نیز تجمیع دعاوی به استقلال آن‌ها لطمه وارد نمی‌کند، درحالی‌که در دعاوی جمعی آمریکایی نتیجه تجمیع دعاوی، صدور رأی واحد و تأثیر آن بر تمام اعضای گروه است؛ ثالثاً، در حقوق ایران با توجه به پذیرش حق مورد استماع قرار گرفتن، تا زمانی که به افراد فرصت ابراز دلایل و ادعاها و مدافعات خود و به‌طور کلی امکان مشارکت در دادرسی داده نشود، رأی صادره لازم‌الاجرا نخواهد بود، درحالی‌که دعاوی جمعی با اجازه طرح دعوا از طرف نماینده و الزام‌آور بودن رأی صادره نسبت به تمام اعضای گروه، به حق دفاع افراد خدشه وارد می‌کند؛ در نتیجه باید پذیرفت مفهوم نمایندگی در دعاوی جمعی آمریکایی با نمایندگی‌های مرسوم در حقوق ما هم‌خوانی ندارد و در تقابل با اصل عدم ولایت قرار خواهد گرفت.

۳-۲- تفاوت‌های نظام حقوق رومی-ژرمنی و نظام حقوق آمریکا

علاوه بر تفاوت‌های مبنایی میان نظام حقوقی آمریکا و کشورهای تابع نظام رومی-ژرمنی، برخی نهادها و مفاهیم موجود در آیین دادرسی آمریکا به موفقیت دعاوی جمعی در این نظام حقوقی کمک شایانی کرده است، درحالی‌که در کشورهای تابع نظام رومی-ژرمنی و حقوق ایران اصولاً یا چنین نهادهایی وجود ندارند و یا اساساً سازوکار آن متفاوت از حقوق آمریکاست:

الف- تفاوت مقررات و قواعد حاکم بر هزینه‌های دادرسی

بر مبنای مقررات سنتی در کشورهای تابع نظام رومی-ژرمنی علی‌الاصول پرداخت هزینه‌های دادرسی بر عهده خواهان است و جز در موارد استثنایی در تمام دعاوی از جمله دعاوی دسته جمعی نیز این قاعده حاکم است؛ از طرف دیگر قاعده کلی در خصوص هزینه‌های دادرسی،

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۱۳

پرداخت هزینه‌های متحمل شده توسط طرف برنده از طرف بازنده است. البته اجرای این قاعده در کشورهای مختلف متفاوت است؛ برخی کشورها انعطاف بیشتری در پذیرش استثنائات دارند و برخی این قاعده را با سخت‌گیری بیشتری اعمال می‌کنند؛ به‌عنوان مثال در کشورهایی نظیر فرانسه^۱ و هلند^۲ در دعاوی نمایندگی، نهادهایی که نمایندگی مصرف‌کنندگان را بر عهده دارند باید کل هزینه‌های دعا را پرداخت کنند. در حقوق سوئد مطابق با مواد ۳۴ و ۳۵ قانون دعاوی گروهی پرداخت هزینه‌ها بر عهده نماینده گروه است، اما در عمل در صورتی که او قادر به پرداخت نباشد، هریک از اعضا به میزان سهم خود مکلف به تأمین هزینه‌هاست. اصل پرداخت هزینه‌ها توسط بازنده نیز در این نظام‌های حقوقی مجراست. (Stuyck & et al, 2007: 313)

در حقوق انگلیس به‌منظور تکمیل نظام دعاوی گروهی، در سال ۲۰۰۰ قانون جدید هزینه‌ها تصویب شد. این قانون بین هزینه‌های مشترک و فردی تفکیک قائل شده است. مطابق با این قانون،^۳ در صورت شکست گروه در دعاوی مسئولیت پرداخت در خصوص هزینه‌های مشترک و فردی وجود دارد. مسئولیت اعضای گروه در خصوص هزینه‌های مشترک برابر است، اما هزینه‌های فردی (هزینه‌هایی که خواننده در خصوص شخص خاصی از آن گروه متحمل شده) توسط همان شخص پرداخت خواهد شد. در مقابل در صورتی که رأی به نفع گروه صادر شود، محکوم علیه مسئول پرداخت تمام هزینه‌ها اعم از هزینه‌های مشترک و فردی به اعضای گروه است و قاعده پرداخت از طرف بازنده اعمال می‌شود. (Andrews, 2011: 21)

در حقوق آلمان ضمن اینکه پرداخت هزینه‌های دادرسی بر عهده خواهان است، قاعده کلی پرداخت از طرف بازنده نیز مطابق با قانون دعاوی نمونه بازارهای سرمایه آلمان،^۴ در دعاوی نمونه (که به نوعی مصداق دعاوی جمعی در این نظام حقوقی به شمار می‌روند) اعمال می‌شود. مطابق با ماده ۲۴ قانون اصلاحی در صورت شکست مدعی در دعاوی نمونه،

۱. به‌عنوان مثال در خصوص سازمان‌های مصرف‌کننده در حقوق فرانسه به‌موجب قانون مصرف‌کننده (Loi Hamon) و در خصوص سازمان‌های مربوط به بهداشت عمومی به‌موجب قانون سلامت (Loi de santé).

2. Articles 3:305a to 3:305d Civil procedure code.

3. 48.6A(5).civil procedure code.

4. German Capital Markets Model Case Act.

هزینه‌های رسیدگی دعوی نمونه بین تمام مدعیان، به نسبت ارزش دعوی هر فرد تقسیم می‌شود. (Baetge, 2007: 25) در حقوق ایران نیز مطابق با ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی قاعده پرداخت از طرف بازنده حاکم است.

در مقابل در حقوق آمریکا که دعوی جمعی رشد چشمگیری داشته‌اند، شرایط دیگری حاکم است. از یک طرف دعوی جمعی در حقوق آمریکا خروج محور هستند؛ از طرف دیگر طبق دکترین قدیمی دستمزد عادلانه (Equitable Fee Doctrine) این دیدگاه وجود دارد که در مواردی که دعوا نفع مشترکی برای تمام اعضای گروه دارد و همه در آن منافع سهیم هستند، باید در هزینه‌های دعوا نیز سهیم شوند. این مسئله ضمن اینکه امکان منتفع شدن رایگان را در دعوی جمعی از بین می‌برد، تضمین می‌کند که به نماینده گروه بابت زمان و هزینه‌های صرف شده در صورت پیروزی در دعوا، پرداخت صورت خواهد گرفت (این مبلغ به جز مبلغی است که نماینده به‌همراه سایر اعضای گروه در نتیجه صدور حکم به دست خواهد آورد)؛ البته معمولاً به‌لحاظ دشوار بودن دستیابی به توافق در خصوص میزان پرداخت، دادگاه مبلغ مناسب را مشخص خواهد کرد. این مسئله سبب انگیزه افراد گروه برای اقامه دعوا و تلاش در جهت پیروزی در دعوا خواهد شد. با وجود این در دعوی جمعی، به نماینده ناموفق در دعوا پرداختی صورت نمی‌گیرد. (Hensler, 2009: 23) علاوه بر این در عمل خواهان ممکن است در صدد انتقال بسیاری از هزینه‌ها به خواننده برآید. اگرچه برخی دادگاه‌ها چندان تمایلی در موافقت با این انتقال‌ها ندارند، اما در برخی موارد از جمله مواردی که هزینه‌های اخطار برای خواننده به‌مراتب کم‌تر از خواهان باشد، با این انتقال موافقت کرده‌اند؛ (Anderson & Trask, 2010: 189) همچنین در آمریکا هر طرف مکلف به پرداخت هزینه‌های خود بوده و قاعده پرداخت از طرف بازنده جز در موارد استثنائی وجود ندارد. از موارد استثنائی زمانی است که طرف مقابل با سوءنیت عمل نموده است. (Mueller & Beach, 2009: 197; Pauling Smith & McDonough, 2011: 156)

پرداخت به نماینده گروه در فرض پیروزی و امکان انتقال هزینه‌ها به خواننده و عدم اعمال قاعده پرداخت بازنده در حقوق آمریکا از عواملی است که سبب رشد دعوی جمعی در این

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۱۵

نظام حقوقی شده است. درحالی‌که در سایر نظام‌های مورد مطالعه، ضمن اینکه خواهان بابت زحمات خود چیزی دریافت نمی‌کند، علاوه بر نگرانی در خصوص هزینه‌های متحمل شده، نگرانی در خصوص هزینه‌های خوانده نیز وجود دارد؛ در نتیجه انگیزه اقامه دعوا در آمریکا بیشتر از نظام‌های حقوقی دیگر است. بیشتر بودن تعداد دعاوی مطرح شده در نظام حقوقی آمریکا در مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی نیز می‌تواند مؤید این مسئله باشد.

تأثیر تفاوت نظام آمریکا و نظام حقوقی رومی-ژرمنی در خصوص هزینه‌های دادرسی در دعاوی جمعی غیر قابل انکار است؛ زیرا در این دعاوی با توجه به اینکه معمولاً خواسته ارزش بالایی دارد، اعمال مقررات سنتی دعاوی فردی، مانع جدی در برابر اقامه دعوا خواهد بود؛ زیرا در چنین شرایطی هیچ‌کس انگیزه لازم برای اقامه دعوا نخواهد داشت. این مسئله به‌ویژه در نظام‌های حقوقی ورود محور اهمیت دارد؛ زیرا در این روش هزینه ابلاغ به کل ذی‌نفعان و شرکت‌کنندگان بالقوه در دعوا پیش از ورود به ماهیت آن، به اقامه‌کننده و پیشنهاد دهنده دعوا تحمیل می‌شود و در صورت شکست در دعوا امیدی به استرداد هزینه‌های پرداخت شده وجود ندارد. قاعده پرداخت از طرف بازنده اگرچه در دعاوی فردی مانعی برای سوء استفاده و جلوگیری از طرح دعاوی واهی است، اما در دعاوی جمعی می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده در احقاق حقوق عمل کند؛ زیرا ممکن است علت شکست مصرف‌کننده قدرت مالی و منابع حقوقی خوانده باشد.

در حقوق ایران نیز مسئله تأمین هزینه‌ها می‌تواند از موانع طرح دعوا از طرف سازمان‌ها به‌شمار رود؛ به‌عنوان مثال در قانون تجارت الکترونیک که می‌تواند مصداقی از دعاوی جمعی اروپایی در حقوق ایران باشد، علی‌رغم پیش‌بینی امکان اقامه دعوا از طرف سازمان‌های مصرف‌کننده، در خصوص تأمین هزینه‌ها، پیش‌بینی صورت نگرفته است.

البته برخی کشورها به‌منظور کاهش موانع، سعی در تعدیل قواعد حاکم بر هزینه‌های دادرسی نموده‌اند، اما در مقایسه با حقوق آمریکا همچنان موانع این نظام‌های حقوقی بیشتر است؛ به‌عنوان مثال در ماده ۸۷ قانون مصرف‌کننده برزیل، جز در مورد دعاوی ناشی از سوءتئیت، خواهان‌ها مجبور نیستند که هزینه‌های دادرسی را از قبل بپردازند. در حقوق پرتغال

مطابق با ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف‌کننده، مصرف‌کنندگان از پرداخت هزینه‌های دادرسی در خصوص دعاوی مربوط به حقوقی که در نتیجه عرضه کالا و خدمات عاید آنان می‌شود معاف‌اند، به شرط آنکه خواسته دعوا از حد نصاب صلاحیت دادگاه‌های نخستین فراتر نرود.

در حقوق اسپانیا نماینده می‌تواند تقاضای تخفیف در هزینه‌های دادرسی و معاضدت حقوقی رایگان کند؛ (Stuyck & et al, 2007: 314-315) همچنین مصرف‌کنندگان می‌توانند به‌صورت رایگان به انجمن‌های حمایتی، نمایندگی طرح دعوا دهند. این انجمن‌ها نیز در اغلب موارد از پرداخت هزینه‌های دادرسی معاف هستند. (غفاری، ۱۳۸۹: ۱۱۵)

ب- پذیرش حق الوکاله مشروط در حقوق آمریکا

یکی از مفاهیم پذیرفته شده در نظام حقوقی آمریکا مفهوم حق الوکاله مشروط است. اکثر دعاوی جمعی آمریکایی با حق الوکاله‌های مشروط تأمین می‌شوند. منظور از حق الوکاله مشروط این است که، خواهان و وکیل او توافق کنند که خواهان در ابتدا مکلف به پرداخت حق الوکاله نباشد و پس از مشخص شدن نتیجه دعوا، در صورتی که دعوی او با شکست مواجه شود، هیچ حق الوکاله‌ای به وکیل تعلق نگیرد و در صورت پیروزی در دعوا، چند برابر تعرفه حق الوکاله و یا درصدی از محکوم‌به، به او تعلق گیرد. در دعاوی جمعی با توجه به بالا بودن مبلغ خواسته، پرداخت حق الوکاله یکی از موانع اقامه دعوا محسوب و پذیرش این حق الوکاله‌ها می‌تواند در رفع آن مؤثر باشد.

در دفاع از این حق الوکاله‌ها استدلال شده که این مفهوم ضمن اینکه به وکلا اجازه سرمایه‌گذاری در دعوا را می‌دهد، مشکلات ناشی از نقدینگی خواهان دعوا را نیز حل می‌کند؛ زیرا زیاد بودن مبلغ حق الوکاله می‌تواند یکی از دلایل عدم مطالبه حقوق باشد، درحالی که ضمن اینکه نقدینگی وکلا از مصرف‌کنندگان بیشتر است، به دلیل تجربه بالا در مقایسه با افراد عادی بهتر به نتیجه خواهند رسید. (Hensler, 2009: 24; Issacharoff & et al, 2009: 198-199)

در مقابل در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر، یا حق الوکاله‌های مشروط مورد پذیرش واقع نشده یا اینکه به‌ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در برخی نظام‌ها نیز با وجود پذیرش

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۱۷

این توافقات، محدودیت‌هایی در جهت انطباق آن با نظام حقوقی خود ایجاد کرده که مفهوم آن را در مقایسه با آمریکا متفاوت می‌کند.

در حقوق استرالیا مشارکت وکیل در محکوم‌به پذیرفته نشده، اما توافق مبنی بر اینکه در صورت شکست چیزی عاید وکیل نشود اما در صورت پیروزی حق الوکاله او بالاتر از تعرفه قانونی باشد، امکان‌پذیر است. (Stuyck & et al, 2007: 318; Loveday & Morrison, 2012: 31)

در حقوق فرانسه توافقاتی که حق الوکاله را منوط به نتیجه دعوا نماید، ممنوع است؛ به‌عنوان مثال، توافقی که وکیل فقط در صورت پیروزی در پرونده مستحق حق الوکاله باشد. با وجود این، توافق به پرداخت مبلغ اضافی در صورت موفقیت در پرونده امکان دارد. (Warnot & et al, 2011: 7)

در حقوق انگلیس محدودیت در پذیرش این حق الوکاله‌ها به این صورت است که توافقات تا حداکثر دو برابر حق الوکاله‌های عادی وکلا امکان‌پذیر است. (Harbour & et al, 2006: 11)

در مواد ۳۸ و ۳۹ قانون دعاوی گروهی سوئد^۱ نیز توافق با وکلا با برخی محدودیت‌ها پیش‌بینی شده است. طبق قانون چنین توافقاتی به شرط پیروزی در دعوا امکان‌پذیر است. البته امکان توافق به درصدی که در آمریکا رایج است (یک‌سوم یا نصف محکوم‌به) وجود ندارد. در مواردی که توافق به ضرر اعضای گروه باشد، تأیید دادگاه لازم است که صرفاً در صورتی که توافق را معقول بدانند، تأیید خواهد کرد. (Stuyck & et al, 2007: 317; Harbour & et al, 2006: 12)

در حقوق آلمان با اصلاحات صورت گرفته در قانون حق الزحمه وکلا^۲ از سال ۲۰۰۸، این ممنوعیت رفع شده است. البته این اصلاح را نمی‌توان به‌معنای پذیرش مطلق حق الوکاله‌های مشروط به‌نحوی که در آمریکا وجود دارد، تلقی کرد؛ زیرا مطابق مقرره جدید، این توافقات فقط در دعاوی فردی و فقط در مواردی قابل پذیرش هستند که عدم پذیرش حق الوکاله مشروط، منتهی به اجتناب موکل از اقامه دعوا شود. در واقع در صورتی که عدم پذیرش حق الوکاله مشروط موجب شود که موکل به‌لحاظ شرایط اقتصادی و به دلایل معقول از اقامه دعوا منصرف شود، قانونگذار توافقات را پذیرفته است. (Newland & et al, 2008: 426)

1. Group action Act 2003.

2. Attorney Remuneration Act (*Rechtsanwaltsvergütungsgesetz*).

در حقوق ایران نیز اگرچه طبق ماده ۱۰ قانون مدنی اصل آزادی قراردادها پذیرفته شده و لذا امکان انعقاد قراردادهای حق الوکاله مشروط وجود دارد، با این وجود مطابق با ماده ۸۰ نظامنامه قانون وکالت این محدودیت وجود دارد که حق الوکاله نمی‌تواند بخشی از محکوم‌به باشد.

اگرچه حق الوکاله مشروط از شرایط و عناصر اساسی دعاوی جمعی محسوب نمی‌شود، اما پذیرش آن در موفقیت و رشد این دعاوی تأثیر شگرفی داشته است، به طوری که نویسندگان حقوقی کشورهای جمعی آمریکایی را نپذیرفته‌اند، این مسئله را به عنوان یکی از موانع رشد این دعاوی در نظام‌های خود مورد توجه قرار داده و معتقدند که نمی‌توان دعاوی جمعی موفق را بدون وجود آن تصور کرد. (Issacharoff & et al, 2009: 198) البته در برخی نظام‌ها در جهت رفع این موانع اقداماتی صورت گرفته است؛ به عنوان مثال، تأمین هزینه‌های دادرسی از طریق اشخاص ثالث از جمله راهکارهایی است که در استرالیا و کانادا و آلمان مورد توجه واقع شده که عملکردی مشابه این حق الوکاله‌ها دارند. در این نظام‌ها اقدام به تأسیس سازمان‌هایی شده که هزینه‌های اقامه دعا و حق الوکاله را تأمین و در صورت پیروزی در دعوا درصدی از محکوم‌به پرداخت خواهد شد؛ به عنوان مثال در آلمان پنجاه درصد از محکوم‌به متعلق به سازمان خواهد بود. (Issacharoff & et al, 2009: 199) در حقوق ایران نیز در صورتی که قانونگذار تمایل به پذیرش دعاوی جمعی به هر شکلی داشته باشد، باید این مسئله را مورد توجه قرار دهد.

ج- وجود هیئت منصفه در آمریکا
یکی دیگر از ویژگی‌های نظام حقوقی آمریکا، وجود هیئت منصفه و نقش مهم آن در رسیدگی‌های قضایی است. توجه به نظام مسئولیت مدنی در نظام حقوقی آمریکا بدون در نظرگرفتن وجود هیئت منصفه ممکن نیست.

حق دسترسی به هیئت منصفه به موجب ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی فدرال یکی از حقوق اصحاب دعوا به شمار می‌رود. البته وجود این حق بستگی به ماهیت ادعا، جبران مورد مطالبه و خواننده دعوا دارد. در دادگاه‌های فدرال حق دسترسی به هیئت منصفه در مواردی وجود دارد که دعوا ناشی از کامن‌لا یا قوانین موضوعه باشد و در دعاوی که جبران‌های انصافی مورد مطالبه است،

حق رسیدگی در هیئت منصفه وجود ندارد. همچنین در مواردی که خواننده، دولت یا نهادهای شبه دولتی است، جز در صورت رضایت دولت، امکان رسیدگی هیئت منصفه وجود نخواهد داشت. (Mueller & Beach, 2009: 195; Pauling Smith & McDonough, 2011: 154)

نقش هیئت منصفه به‌ویژه در تعیین خسارات ناشی از اعمال زیانبار در مباحث مربوط به مسئولیت مدنی اهمیت دارد و همین امر موجب شده که افعال زیانبار و نحوه جبران خسارت وارده در بحث مسئولیت مدنی به شدت تحت تأثیر افکار عمومی قرار گیرد؛ حتا در برخی موارد میزان خسارت تعیین شده برای جبران تنها برای جبران خسارت وارده نبوده، بلکه اختطاری است به سایر شرکت‌ها و افراد که در فعالیت‌های خود بیشتر احتیاط کنند. (شیروی، ۱۳۹۲: ۱۷۳) در دعاوی جمعی با توجه به تعداد زیاد خواهان‌ها و با توجه به اینکه خواهان‌ها معمولاً مصرف‌کنندگان، و خوانندگان دعوا معمولاً افراد و شرکت‌های قدرتمند هستند، نقش بازدارندگی هیئت منصفه و تأثیر افکار عمومی در موفقیت دعوا غیر قابل انکار است.

در مقابل در سایر نظام‌های حقوقی - به‌ویژه در کشورهای اروپایی - اصولاً هیئت منصفه‌ای وجود ندارد، بلکه رسیدگی منحصراً توسط قضات صورت می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال در آلمان رسیدگی هیئت منصفه پیش‌بینی نشده است. (Schulz & Hixson, 2012: 86) در فرانسه در دادگاه‌های حقوقی رسیدگی هیئت منصفه وجود ندارد و فقط در رسیدگی‌های کیفری و فقط برای جرایم مهم هیئت منصفه پیش‌بینی شده است. (Sivignon & Nyssen, 2009: 89) در حقوق ایران نیز جز در موارد استثنایی مانند محاکمات سیاسی و مطبوعاتی حضور هیئت منصفه پذیرفته نشده است.

د- نظام خاص کشف دلیل در آمریکا

یکی دیگر از تفاوت‌های نظام حقوقی آمریکا و سایر نظام‌های حقوقی که در موفقیت دعاوی جمعی مؤثر بوده، نظام کشف دلیل است. در آمریکا رسیدگی به دعاوی مدنی مبتنی بر کشف حقیقت است؛ یعنی قاضی نقش فعالی در رسیدگی دارد و محدود به ادله ارائه شده توسط طرفین نیست، بلکه خود نیز در جهت احراز واقعیت و تحصیل ادله تلاش می‌کند. در دعاوی جمعی نیز همین قاعده حاکم است و دادگاه با همان اختیارات و وظایفی که در دعاوی

عادی دارد، در جهت کشف حقیقت گام برمی‌دارد؛ همچنین در آمریکا کشف قبل از محاکمه^۱ و قاعده اجبار به افشای ادله و مدارک نقش بسیار مهمی در رسیدگی به دعاوی ایفا می‌کند و مقررات و رویه قضایی این نظام حقوقی در خصوص افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی کاملاً روزآمد، دقیق، گسترده و در عین حال، پیچیده و منحصر به فرد هستند. (مولودی، ۱۳۹۴: ۱۴۷) طبق این قاعده طرفین موظف‌اند که تمام اطلاعات و مدارک مربوط به دادرسی را اعم از اینکه به نفع آنان باشد یا به ضرر آنان، بدون مداخله دادگاه در اختیار طرف دیگر قرار دهند. (Warnot & et al, 2011: 2-3; Pejovic, 2001: 832)

این قاعده دسترسی طرفین را به اسناد و مدارک و اطلاعات طرف مقابل خود تسهیل و به‌ویژه در دعاوی جمعی مفید است؛ زیرا در این دعاوی معمولاً خوانندگان دعوا، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان بزرگ هستند و جمع‌آوری ادله توسط خواهان مشکل است؛ همچنین کشف دلیل در دعاوی جمعی در مقایسه با دعاوی فردی زمان‌برتر و پرهزینه‌تر است؛ زیرا در این دعاوی با دلایل بیشتری مواجه هستیم و اعمال مقررات سنتی کشف دلیل در دعاوی جمعی با از بین بردن انگیزه افراد برای اقامه دعوا، می‌تواند از موانع اقامه دعوا به شمار رود.

در مقابل در سایر نظام‌های حقوقی، مدل کشف دلیل آمریکایی وجود ندارد. طبق قواعد حاکم بر نظام حقوق رومی-ژرمنی کشف پیش از محاکمه وجود ندارد. هدف اصلی ادله ارائه شده اثبات ادعاهای هر فرد است و در نتیجه هر فرد صرفاً متعهد به ارائه اسناد مربوط به ادعاهای خود است. طرفین در این نظام متعهد به ارائه مدارک به صورت ارادی و داوطلبانه به دیگری در طول رسیدگی نیستند. برخلاف نظام آمریکا که طرفین مکلف به ارائه دلایل هستند، در کشورهای تابع نظام حقوق رومی-ژرمنی، قضات نقش اصلی در جمع‌آوری ادله دارند و طرفی که در صدد استفاده از مدارک طرف مقابل است، باید از دادگاه درخواست کند. در واقع برخلاف تفکر حاکم در نظام آمریکا که کشف دلیل یک وظیفه خصوصی است که به وسیله وکلا اعمال می‌شود، در نظام رومی-ژرمنی جمع‌آوری ادله یک وظیفه عمومی محسوب که به وسیله دادگاه‌ها اعمال می‌شود. (Pejovic, 2001: 832)

ضرورت‌ها و موانع پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی... / صفری و دیگران ۱۲۱


همگام با تحولات صورت گرفته در نظام‌های حقوقی پیشرفته، در نظام حقوقی ایران نیز قاعده «البینه علی المدعی» به منظور دستیابی بیشتر به حقیقت و امکان مطلوب‌تر احقاق حق، تعدیل و جواز افشای سند تا حدودی در مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی مورد پذیرش قرار گرفته است. با این وجود برخلاف حقوق آمریکا مدعی از طریق دادگاه و با نظارت و دستور آن می‌تواند از طرف مقابل درخواست افشا کند و طرف مقابل نیز سند را در اختیار دادگاه و نه مدعی قرار خواهد داد. (مولودی، ۱۳۹۴: ۱۵۰)

نظام کشف دلیل موجود در آمریکا نیز اگرچه از عناصر و شرایط دعاوی جمعی محسوب نمی‌شود، اما از دلایل موفقیت دعاوی جمعی در این نظام حقوقی است و از این حیث دعاوی جمعی در سایر نظام‌ها نمی‌توانند همانند دعاوی جمعی آمریکایی موفق باشند. (Lemaire & Dupeyr, 2007: 3; Harbour & et al, 2006: 1)

نتیجه‌گیری

ضرورت پذیرش دعاوی جمعی در زندگی مدرن امروزی مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف قرار گرفته است. آمریکا با پیش‌قدم شدن در این زمینه و با پذیرش دعاوی جمعی به عنوان مهد دعاوی جمعی شناخته می‌شود. در کشورهای تابع نظام رومی-ژرمنی نیز علی‌رغم پذیرش انواع خاص دعاوی جمعی، ترس از تخطی از اصول و مبانی از یک سو و عدم وجود برخی مفاهیم و نهادهای موجود در حقوق آمریکا از سوی دیگر مانعی برای پذیرش دعاوی جمعی آمریکایی هستند. تجربه نظام آمریکا حاکی از آن است که وجود این نهادها و مفاهیم از جمله دلایل موفقیت و رشد این دعاوی در رسیدن به اهداف خود به‌ویژه عدالت بوده است؛ از این رو کشورهای تابع حقوق رومی-ژرمنی نیز می‌توانند با پذیرش برخی از این مفاهیم و نهادها در جهت رفع موانع اقدام کنند و در صورتی که پذیرش این نهادها و مفاهیم را برخلاف اصول و ساختارهای نظام خود می‌دانند، در جهت استفاده از ابزارهای دیگر گام بردارند که ضمن حفظ ساختار نظام حقوقی خود ابزار کارآمدی نیز برای رفع نقایص باشند؛ به‌عنوان مثال، پذیرش سازمان‌های تأمین‌کننده هزینه‌ها از جمله راهکارهایی است که در برخی نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است و سایر کشورها نیز با پذیرش چنین نهادها و یا مفاهیم و

نهادهای مشابهی می‌توانند در مسیر کاهش موانع موجود گام بردارند. برخی حقوق‌دانان نیز تلاش کرده‌اند تا مدلی از یک قانون جامع در مورد این دعاوی که با اصول و قواعد نظام‌های حقوقی کشورهای حقوق رومی-ژرمنی نیز سازگار باشد، تدوین و به مراجع قانونگذاری این کشورها پیشنهاد دهند؛ با این امید که بتوانند دعاوی جمعی را در این نظام حقوقی توسعه دهند.^۱ در هر حال بدون آشنایی کامل با موانع پذیرش این دعاوی، قانونگذاری مناسب در این زمینه امکان‌پذیر نخواهد بود. با توجه به ضرورت وجود دعاوی جمعی در حقوق ایران و با توجه به اصول و مبانی مورد پذیرش در نظام حقوقی ایران از جمله حق فردی و شخصی بودن نفع و عدم وجود سازوکارهای حقوق آمریکا، قانونگذار ایران نیز در صورتی که در صدد گام برداشتن در این مسیر باشد، باید این موانع را مورد توجه قرار دهد و تا حد امکان با رفع موانع دعاوی متناسب با نظام حقوقی ایران را وارد نظام حقوقی کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌نامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- شمس، عبدالله (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، چاپ دهم، تهران: دراک.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۷)، شروط ضمن عقد، چاپ دوم، تهران: مجد.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، حقوق تطبیقی، چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
- غفاری‌فارسانی، بهنام (۱۳۸۹)، شیوه‌های خاص رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض حقوق مصرف‌کنندگان در مراجع قضایی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- غمامی، مجید و حسن محسنی (۱۳۸۶)، اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، چاپ اول، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، فلسفه حقوق، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاشانی، جواد (۱۳۹۱)، «دعوی گروه: پاسخی به ضرورت وجود تعادل میان قواعد اولیه و ثانویه در سیستم حقوقی»، فصلنامه پژوهش حقوق، دوره ۱۴، شماره ۳۷، صص ۱۲۱-۱۴۶.
- کریمی، عباس (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، چاپ سوم، تهران: مجد.
- محسنی، حسن؛ بهنام غفاری و نفیسه شوشی‌نسب (۱۳۹۱)، «دعای جمعی و نقش آن در احقاق حقوق مصرف‌کننده»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۷-۱۸۲.
- مولودی، محمد و رسول فراهانی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی در ادله اثبات دعوا در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۶۴.
- مولودی، محمد؛ ناهید صفری و بیژن حاجی‌عزیزی (۱۳۹۵)، «حقوق فرافردی: مبنایی برای دعاوی جمعی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۲۷۳-۲۹۵.

الف-٢: عربى

- كمپانى اصفهانى، محمد حسين (١٤١٨هـ.ق)، حاشيه كتاب مكاسب، چاپ اول، قم: انوار الهدى.
- مامقانى، ملا عبداللّه بن محمد حسن (١٣٥٠)، نهايه المقال فى تكمله غاية الآمال، چاپ دوم، قم: مجمع الذخائر الإسلامى.
- نايينى، ميرزا محمد حسين (١٣٧٣)، منية الطالب فى الحاشية المكاسب، چاپ اول، تهران: المكتبة المحمدية.

الف-٣: لاتين

- Andrews, Neil (2001). "Multi-Party Proceedings in England: Representative and Group Actions", *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 11, No. 2, pp. 249-267.
- Andrews, Neil (2011). "Multi-Party Action and Complex Litigation in England", *European Business Law Review*, Vol. 23, No. 1, pp. 24.
- Baetge, Dietmar (2007). *Class Actions, Group Litigation & Other Forms of Collective Litigation*, Germany: global class actions exchange.
- Baumgartner, Samuel (2007). "Class Actions and Group Litigation in Switzerland", *Northwestern journal of international law and business*, Vol. 27, Issue. 2, No. 06-17, pp. 301-350.
- Bouvignies, Alexanne (2011). *Les Class Actions: Etude de droit comparé entre les droits Français et Américain*, a thesis in Université pantheon.
- Brian, Anderson & Andrew Trask (2010). *The Class Action Play book*, New York: oxford university press.
- Bronsteen, John & Owen Fiss (2003). "The Class Action Rule", *Notre dame law Review*, Vol. 78, No. 5, pp. 1419-1453.
- Gidi, Antonio (2003). "Class Actions in Brazil-A Model for Civil Law Countries", *The American Journal of Comparative Law*, Vol. 51, No. 2, pp. 311-407.
- Harbour, Laurel; Hardy Shook & L.L.P Bacon (2006). The Emerging European Class Action: Expanding Multi-Party Litigation To Shrinking World, *ABA Annual Meeting, Section of Litigation*.
- Hensler, Deborah (2009). *The Globalization of Class Actions: An Overview*, Philadelphia: American Academy of Political and Social Science.
- Holly, Pauling; Madeleine Smith & M. McDonough (2010). *Chapter 25: USA*, in *Global Legal Group, The International Comparative Legal Guide to Class and Group Actions*, London: Global Legal Group Ltd.

- Issacharoff, Samuel & Geoffrey P Miller (2009). "Will Aggregate Litigation Come to Europe?", *Vanderbilt law review*, Vol. 62, Issue. 1, pp. 177-210.
- Koch, Harald (2001). "Non Class Group Litigation under Eu and German law", *Duke Journal of Comparative & International law*, Vol. 11, No. 2, pp. 357-367.
- Lahav, Alexandra (2003). "Fundamental Principles for Class action governance", *Indiana Law Review*, Vol. 37, No. 1, pp. 65-140.
- Loveday, Colin & Andrew Morrison (2012). *The International Comparative Legal Guide to Class & Group Actions, Chapter 6, Global Legal Group, A practical, cross-border insight into class and group actions work*, London: Global Legal Group Ltd.
- Mueller, Michael & Jason Beach (2009). *The International Comparative Legal Guide to Class & Group Actions 2009*, London: Global Legal Group Ltd.
- Mulheron, Rachael (2004). *The Class Action in Common Law Legal Systems: A Comparative Perspective*, Portland: Hart Publishing.
- Newland, James; Louise Moher; Lynda Morgan & LLP Lemers (2008). "Multi-party Litigation in Germany: the KapMuG in Action", *Federated Press*, Vol. VI, No. 4, pp. 424-428.
- pejovic, Caslav (2001). Civil Law and Common Law: Two Different Paths Leading to the Same goal, *Poredbene pomorsko pravo*, Vol. 40, No. 155, pp. 7-32.
- Schulz, Daniel & Hixson Michael (2012). *The International Comparative Legal Guide to Class & Group Actions*, chapter 14, Germany, London: Global Legal Group Ltd.
- Sivignon, Jacques & Nyssen Xavier (2009). *The International Comparative Legal Guide to Class and Group Actions Global Legal Group*, Chapter 14, France: Dechert LLP.
- Stuyck, Jules; Evelyne Terryn; Veerle Colaert; Tom Van Dyck; Neil Peretz; Nele Hoekx & Piotr Tereszkiewicz (2007). *An analysis and evaluation of alternative means of consumer redress other than redress through ordinary judicial proceedings*, A Study for the European Commission, Health and Consumer Protection Directorate-General Directorate B- Consumer Affairs, Final Report, Leuven: Katholieke Universiteit Leuven.
- Teitelbaum, Joshua (2012). *Allocation Rules and the Stability of Mass Tort Class Action*, Washington, D.C: Georgetown University Law Center.

ب- وبسایت‌های اینترنتی

- Class Action in Europe: Comparative Law and EC Law Considerations (2020/aug/24), Peter Mattil; Vanessa Desoutter, <https://www.bookdepository.com/International-Comparative-Legal-Guide-Class-Group-Actions-2011-Ian-Dodds-Smith/9781904654889>.
- Collective actions across the globe (26/aug/2020), James Warnot; Daniella Strik; Francisco Malaga, <https://globalclassaction.stanford.edu/content/class-action-group-litigation-other-forms-collective-litigation-germany>.
- The Continuing Debate on the Introduction of Class Actions in France (2020/aug/24), Gillian Lemaire; Dupeyré Romain, <https://www.dechert.com/content/dam/dechert%20files/knowledge/onpoint/2007/5/the-continuing-debate-on-the-introduction-of-class-actions-in-fr/ID-Update05-07.pdf>.

